

تاریخ دریافت: ۱۹ آذر ۱۳۹۶
تاریخ پذیرش: ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۷

خانه‌های تاریخی سنندج، خوانش کالبد از دریچه فرهنگ زیست^۱

آزاده آقالطیفی^۲

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

وحید کلیائی^۳

کلیدواژگان: خانه، مسکن، فرهنگ زیست، سنندج.

چکیده

دستیابی به فهم دقیق یک معماری در فهم پیدا و نهان آن است و درک این دو با بررسی کالبد و زیست جاری در آن محقق می‌گردد. خانه نیز، به مثابه اصلی‌ترین فضای زیست انسان، مفهومی است که افزون بر کالبد، معانی مختلفی را در خود جای می‌دهد و به نوعی ترکیبی تجربی و انتزاعی از زمان و مکان را به همراه دارد. بدین ترتیب شناخت دقیق خانه چیزی فراتر از شناخت کالبد را می‌طلبد. محققان مختلفی به جستجوی مفهوم خانه در بسترهای فرهنگی متفاوت پرداخته‌اند. در این مقاله تلاش شده است، تا با مذاقه در خانه‌های تاریخی سنندج، خوانشی از کالبد عرضه گردد که، فراتر از ویژگی‌های کالبدی، از مدخل فرهنگ زیست ساکنان به موضوع تقرب یافته شود. این پژوهش با رویکردی کیفی، در سه سطح تحلیلی مبتنی بر تأثیر ویژگی‌های کلی شهر بر خانه‌ها و قیاس بین کالبد خانه‌ها به روش تحلیلی-توصیفی از یک سو، و تحلیل مبتنی بر تطابق فرهنگ زیست و معماری خانه‌ها، به روش تحلیل محتوای مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته از سوی دیگر، به انجام رسیده است.

مقدمه

نتایج نشانگر آن است که اصلی‌ترین ویژگی‌های خانه‌های سنندج، که آن‌ها را از دیگر خانه‌ها متمایز می‌کند، نحوه ارتباط با طبیعت، توجه به منظرگاه بیرونی و در عین حفظ محرمیت، وجود مرتبه‌بندی در کل و جزء فضاها، و تأثیرپذیری از خانه‌های دیوانی موجود در شهر بوده است.

حوزه بناهای مسکونی (خانه‌ها) یکی از حوزه‌های فراموش شده و مهجور در جریان مستندسازی معماری ایران بوده است. از یک سو، ویژگی‌های خاص بناهای عمومی و شهرت بیشتر آن‌ها سبب شده تا در جریان مطالعات معماری بیشتر مورد توجه باشند و از سوی دیگر گوناگونی زیاد و آمیختگی بناهای مسکونی با زندگی روزمره مطالعه آن‌ها را دشوارتر کرده است؛ اما این غفلت و دشواری در مطالعه به هیچ‌وجه از اهمیت این بناها نمی‌کاهد، بناهایی که از هر نظر بیشترین تأثیر را بر کیفیت زندگی انسان دارند.

در نوشتار حاضر بر آنیم، تا با تأمل در معماری خانه‌های شهر

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مستندسازی ابنیه مسکونی با رویکرد استخراج آموزه‌های معماری بومی و کاربرد آن در ساخت‌وسازهای معاصر به سرپرستی نویسنده مسئول است که در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ انجام شده است (کارفرما: وزارت راه و شهرسازی؛ مشاور: دانشگاه شهید بهشتی).

۲. نویسنده مسئول

A_ghalatifi@sbu.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات معماری، دانشگاه شهید بهشتی

vahidkl2@gmail.com

پرسش‌های اصلی مقاله

مفهوم خانه چیست و چگونه با فرهنگ مرتبط می‌گردد؟

خانه‌های تاریخی شهر سنندج چه ویژگی‌ها و نقاط تمایزی دارند؟

با توجه به فرهنگ زیست ساکنان، شاخصه‌های متمایز خانه‌های تاریخی سنندج کدام است؟

سنندج و بستر شکل‌گیری آن‌ها، از گذشته تاکنون، گامی در جهت روشن‌تر شدن ارتباط معماری با زندگی در این زیست بوم برداریم و ویژگی‌ها و وجوه تمایز این خانه‌ها را از دیگر نمونه‌ها شناسایی کنیم. بدین منظور داده‌ها در سه حوزه ویژگی‌های بستر شکل‌دهنده به معماری، ویژگی‌های کالبدی، و شیوه‌های زیست در خانه‌های سنندج گردآوری شده‌اند. این مقاله یک پژوهش کیفی است که به روش توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده و در مرحله گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. نتایج این مقاله به درک بهتر مسکن بومی شهر سنندج کمک خواهد کرد و نشان می‌دهد که در شهرهای مشابه چگونه تأثیر فرهنگ سکونت بر معماری خانه‌ها قابل پیگیری است.

۱. خانه و فرهنگ سکونت

خانه و معماری خانه، این فراگیرترین و در عین حال اختصاصی‌ترین فضای زندگی انسان‌ها، همیشه، چه در اندیشه و بیان کلامی و چه در عرصه خلق و ساخت، برای معماران قابل توجه بوده است. این توجه شاید نشئت گرفته از تنوعی است که می‌توان برای گوناگونی خانه‌ها در دنیا متصور شد؛ ولی چرا این تفاوت وجود دارد و کالبدهایی که قرار است روزمرگی انسان‌ها را در خود جای دهد، چرا از یکدیگر متمایز می‌شوند؟ برای پاسخ به این پرسش، باید به سراغ مفهوم خانه و نیز ارتباط آن با فرهنگ رفت.

۱.۱. سکونت، مسکن، و خانه

اگر به آغاز شکل‌گیری تمدن‌ها باز گردیم، در خواهیم یافت که انسان اولیه متحرک و شکارورز بوده است و تا زمانی که در جایی ساکن نشد، دیگر توانایی‌هایش شکوفا نگردید و امکان رشد و تعالی او فراهم نشد. در سنت دینی حضور انسان بر روی زمین و سکنی گزیدن و آرامش یافتن او— آنچه که در بهشت به او هدیه شده و آن را از دست داده بود— محترم شمرده شده است. همچنین در این جستجو، سکونت و آرامش این جهانی نمادی از آرامش ابدی آن جهان است؛ ولی سکونت به شیوه فعلی نه در سنت دینی و نه خارج از آن کیفیت لازم را ندارد.

دور شدن کیفیت از زندگی امروزی و نازل شدن امر سکونت سبب شده تا

4. Martin Heidegger

5. Cristian Norberg-Schulz

۶ در نتیجه او خانه را از چند حیث بررسی کرده است؛ اول سکونتگاه خصوصی که هویت فردی در آن مستتر است، دوم، تجلیگاه تفاوت‌های محیطی و فرهنگی، و سوم شکل‌دهنده برخی زمینه‌های اجتماعی، مانند تفکر، تعقل جمعی، و... (نک: کریستیان نوربرگ-شولتز، مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی).

7. Christopher Alexander

۸. نیر طهوری، «سکونت شاعرانه و ساختن جاودانه: بررسی وجوه تشابه در آثارهای دیگر و الکساندر»، ص ۹۸.
۹. دازاین (انسان-در-جهان)
۱۰. پروین پرتوی، «مکان و بی‌مکانی، رویکردی پدیدارشناسانه»، ص ۴۵.

۱۱. لغتنامه دهخدا، ذیل: «خانه».

۱۲. همان، ذیل «مسکن».

۱۳. واژه Home از ریشه ham به معنای خانه یا چراگاهی محصور گرفته شده است. از این رو به محلی گفته می‌شود که شخص با خانواده در آن سکونت دارد و بدان خو گرفته است؛ اما واژه House از ریشه hus به معنای سرپناه بوده و به ساختمانی اطلاق می‌شود که انسان‌ها در آن استقرار می‌یابند (J. Moore, "Placing Home in Context", p. 208).

14. S. Wehmeier, *Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English*, p. 744.

15. D. Morley, *Home Territories: Media, Mobility, and Identity*, p. 4.

فارسی دارای معانی وابسته بیشتری نسبت به مسکن است. در زبان انگلیسی نیز مفهوم خانه (Home) وسیع‌تر از محل فیزیکی اقامت (House) است. Home^{۱۳} در فرهنگ انگلیسی به مثابه ساختار کالبدی که در آن زندگی شود (و عمدتاً به یک خانواده تعلق داشته باشد)، اطلاق شده است،^{۱۴} همین‌طور مکان، منطقه، یا سرزمینی که به کس یا کسانی تعلق دارد، نیز معنا شده است.^{۱۵} پس یکی مکان است و دیگری بنا.^{۱۶} ولی با وجود این می‌توان ادعا کرد که عموم اندیشمندان حوزه‌های مختلف واژه Home را خانه به معنای ساختار کالبدی و تعلقات احساسی و معنایی می‌دانند و واژه House نیز به ساختار کالبدی آن، یعنی مسکن، اطلاق می‌شود.

با توجه به آنچه ذکر شد، در ادبیات تخصصی، دو واژه «خانه» و «مسکن» متفاوت از یکدیگر استفاده شده‌اند. در این نوشتار «مسکن» ساختار کالبدی و «خانه» مجموع این ساختار کالبدی و معانی و مفاهیم وابسته به آن در نظر گرفته شده است.

۱. ۲. خانه به مثابه امری فرهنگی

سابقه پرداختن به موضوع خانه به میزان سابقه زیستن انسان است؛ لیکن توجه به امر سکونت در دوران بعد از مدرن—به دلیل پاسخ‌گو نبودن محیط خانه به همه جنبه‌های زندگی—افزون شد و در پی آن بررسی‌های پدیدارشناسی و روان‌شناسی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی سبب شد که جریان‌های بین‌رشته‌های مختلف در حوزه مطالعات خانه شکل گیرد.^{۱۷} هر قدر مطالعات در خصوص خانه گسترش یافت، وابستگی آن به حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی روشن‌تر گردید. هیوارد^{۱۸} اولین کسی است که فهرستی جامع از معانی منتسب به خانه را اعم از ساختار کالبدی، قلمرو، مکان مشخص در جهان، خود، و هویت را عرضه کرد.^{۱۹} پس از این طرح موضوع، مطالعات مختلفی برای دسته‌بندی مفاهیم مربوط به خانه آغاز شد. در همان دوران کلر کوپر مارکوس «خانه به مثابه نماد خویشتن» را مطرح کرد.^{۲۰} توجه به نماد

این موضوع دغدغه ذهنی بسیاری از اندیشمندان دوران معاصر باشد. مارتین هایدگر^{۲۱} که سکونت کردن را حاصل اندیشیدن و ساختن می‌داند، اشکال امروزی آن را بی‌ریشه تلقی می‌کرد. نوربرگ-شولتز^{۲۲} سکونت را «برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض» می‌داند که البته این پیوند ناشی از تلاش برای هویت‌یابی و احساس تعلق به یک مکان است.^{۲۳} همچنین به اعتقاد کریستوفر الکساندر^{۲۴} ماهیت مکان حاصل اتفاقاتی است که در آن روی می‌دهد.^{۲۵} پس فضای سکونتگاه متأثر از آن سکونتی است که در آن اتفاق می‌افتد؛ لیکن فضای شهر، محله، و یک مسکن به یک میزان از امر سکونت اثر نپذیرفته‌اند. هایدگر معتقد است که «مرکز هستی» در خانه تبلور می‌یابد و امتداد این هستی تا لایتنهای کشیده می‌شود.^{۲۶} از این رو برای تحقق امر سکونت، این خانه است که مشحون از رخداد سکونت می‌شود. همچنین به دلیل ماهیت مفهوم سکونت، خانه به‌شدت با مفاهیم ذهنی انسان در مقیاس فردی و جمعی گره خورده است. به همین دلیل، گریزی نیست تا مفهوم خانه در پیوند با عوامل فرهنگی، اجتماعی، و مانند آن درک شود.

واژه «خانه» شاید مهم‌ترین کلمه‌ای باشد که برای شناخت مفهوم زیست در هر فرهنگ باید به آن پرداخت. در گذشته در زبان فارسی، واژه «خانه» به معنای «بیت» عربی و اطاق امروزی استعمال می‌شد و سرای به معنی دار عربی و خانه امروزی. «خانه» همچنین به معنای منزل و مستقر است؛ ولی در عین حال در معانی مختلف با لغات متعددی مترادف است، از جمله سرا، منزل، مستقر، بیت، اطاق، سرای سلطنتی، دار الحکومه، محبس، دنیا، مقبره، گور، همسر، میدان، آشیانه، کعبه، وطن، و بلد.^{۲۷} همچنین مسکن از زبان عربی به فارسی وارد شده و به معنای جای باش، منزل و بیت، جای سکونت و مقام و آرام، آرامگاه، مقر، جای، جایگاه و نشیمن آمده است.^{۲۸} باتوجه به دامنه گسترده کاربرد واژه خانه و نیز ارجاع واژه مسکن محدود به فضای سکونت، به نظر می‌رسد واژه خانه در ادبیات

۱۶. در ادبیات انگلیسی بر سر مرز استفاده از واژگان مذکور توافق عمومی وجود ندارد. به طور نمونه، راپوپورت در مطالعات گسترده خود همواره این واژگان را متفاوت استفاده می‌کند و از کلمه House برای ساختار کالبدی و معانی وابسته بهره می‌گیرد (نک):

A. Rapoport, *House Form and Culture*, Idem, "Identity and Environment", Idem, "Thinking about Home Environments: a Conceptual Framework", Idem, "A Critical View of the Concept Home",
17. Idem, *House Form and Culture*; Idem, "Identity and Environment"; I. Altman & S.M. Low, *Place Attachment*; Altman & Werner, *Home Environments*; C. Cooper Marcus, "The House as Symbol of Self".
18. G. Hayward

۱۹. نک:

Moore, *ibid*, p. 209.

۲۰. نک:

Cooper Marcus, *ibid*.
21. D. Appleyard
22. Maslow's hierarchy of needs
23. Moore, *ibid*.
24. Harold M. Proshansky
25. B. Lawson, *The Language of Space*, p. 2.

بودن خانه و نیز پیوند آن به موضوع هویت توجه محققان حوزه اجتماعی را به موضوع خانه جلب کرد. در این دوران اپلیارد^{۱۶} بر اساس مدل نیازهای مازلو^{۲۲}، ادعا کرد که خانه آرامش روانی و نیازهای اجتماعی انسان را نیز تأمین می‌کند^{۲۳}. همچنین پروشانسکی^{۲۴} بیان کرد که محیط کالبدی انسان ساخت بیشتر پدیده‌ای اجتماعی است تا فیزیکی^{۲۵} و در عین حال مطالعات راپوپورت سبب شد که به ابعاد فرهنگی خانه بیش‌تر توجه شود^{۲۶}. یکی از جامع‌ترین فهرست‌های معانی مترتب بر خانه را کارولین دسپرس در سال ۱۹۹۱ تهیه کرد که بیشتر یک نمایه فراگیر از بعد روان‌شناختی و نیز اجتماعی- فرهنگی بوده است^{۲۷}. همچنین سندی اسمیت در سال ۱۹۹۴ پژوهشی تجربی انجام داد تا کیفیت‌های ضروری مسکن را برای اینکه به منزله یک خانه تجربه شود، تشخیص دهد. در این پژوهش که به کمک مصاحبه‌های عمیق انجام شد، کیفیاتی نظیر تداوم، خلوت، بروز شخصی، هویت فردی، ارتباطات اجتماعی، گرمی، و ساختار کالبدی سنجش شد و نشان داد که افراد، با شیوه‌های مختلف زیست، کیفیات خاصی از خانه را طلب می‌کنند^{۲۸}. همچنین در نتایج پژوهش‌ها در دهه‌های اخیر در حوزه علوم اجتماعی بر فاصله بین ایدئال و واقعیت تأکید و خانه یک ایدئال قوی فردی و فرهنگی معرفی شده است^{۲۹}. بدین ترتیب خانه در هر جامعه متأثر از ویژگی‌های فرهنگی آن جامعه شکل می‌گیرد^{۳۰}.

۲. تقرب به موضوع

معماری بومی برخاسته از فرهنگ بومی منطقه و در تعامل با طبیعت و بدون تسلط بر آن شکل گرفته است. همچنین نقش مردم در آن بسیار مؤثر است، بدین معنا که به تجربه نسل‌های مختلف وابسته است و انباشت تجربیات آن‌ها را منعکس می‌کند. این نوع از معماری نه تنها میراث گروهی از مردم است؛ بلکه با هویت این جمع گره خورده و ویژگی‌های آن قوم را معرفی می‌کند. بنا بر این برای بررسی همه‌جانبه مسکن بومی

ضروری است که افزون بر کالبد، نحوه شکل‌گیری آن در بستر تاریخی، جغرافیایی، و فرهنگی جامعه نیز در نظر گرفته شود. از سوی دیگر، همان‌طور که ذکر شد، در ادبیات تخصصی، «خانه» ساختار کالبدی و معانی و مفاهیم وابسته است. به همان دلیل در این پژوهش تلاش شده است تا تنها کالبد بناها تحلیل نشود و به ردپای فرهنگ و سنت سکونت نیز دقت گردد.

۲.۱. رویه انجام پژوهش

به منظور شناخت ویژگی‌های خانه‌های تاریخی سنندج و درک نحوه اثرگذاری فرهنگ سکونت بر آن‌ها، چند گام ضروری به نظر می‌رسید. نخست شناخت شهر سنندج و مردمان آن، دوم شناخت کالبد معماری مسکونی در شهر، و سوم، شناخت بهتر فرهنگ سکونت اهالی سنندج.

در بخش اول داده‌های مختلف از ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، و فرهنگی شهر از میان متون و مدارک گردآوری شد. در بخش دوم ۸ نمونه از مسکن تاریخی شناسایی و مدارک و مستندات لازم برای تحلیل یکایک آن‌ها گردآوری شد. این نمونه‌ها که عمدتاً متعلق به دوره قاجار و بقیه متعلق به ابتدای پهلوی اول هستند، پس از تطابق‌های لازم برای فهم زمان ساخت بنا، از خانه‌های موجود انتخاب گردیدند. بخش سوم، که به فرهنگ زیست اختصاص دارد، از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته به انجام رسید. در این خصوص با پنج مطلع فرهنگی و شش ساکن محلی (سالمند) مصاحبه شد. همه مصاحبه‌ها ضبط و پیاده‌سازی گردید و یادداشت‌های حاصل از مشاهدات و نشانگان به آن ملحق شد. در این مرحله، با روش تحلیل محتوا، متن کدگذاری شد و مصاحبه‌ها به گزاره‌هایی تبدیل گردید که بار تحلیلی داشته باشد.

در این میان نحوه بررسی ویژگی‌های کالبدی خود دارای اهمیت بودند و ایجاد ساختاری منسجم برای مستند کردن اطلاعات ضروری می‌نمود. بدین منظور سیاهه‌ای از موارد مهم

۲۶. نک:

Rapoport, *House Form and Culture*; Idem, "Identity and Environment"; Idem, "A Critical View of the Concept Home".
27. K. Lewis, *Exploring Change in the Meaning of Home for South Asian Indians who Immigrate in Late-life*, p. 6-7.

۲۸. نک:

S. Smith, "The Psychological Construction of Home Life".
29. Moore, *ibid*, p. 210.

۳۰. افزون بر این موارد، اندیشمندان در حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، بر نیاز به استخراج عوامل فرهنگی مؤثر بر خانه نیز تأکید داشته‌اند (نک: C. Gurney, *The Meaning of Home in the Decade of Owner Occupation: towards an Experiential Perspective*; Benjamin & Stea, *The Home: Words, Interpretations, Meanings and Environments. Ethnoscapes: Current Challenges in the Environmental Social Sciences*; R. Lawrence, "Deciphering Home: an Integrative Historical Perspective"; Rapoport, "A Critical View of the Concept Home").

ت ۱. اهم موارد بررسی شده در مستندسازی کالبد خانه‌ها، طرح و تدوین: آزاده آقالطیفی.

بازدید میدانی تکمیل گردید. برای تقرب به پرسش‌های تحقیق، پس از گردآوری داده‌ها در سه گام پیش‌گفته، تحلیل‌ها در سه سطح به انجام رسید. نخست تحلیل‌های مبتنی بر تأثیر ویژگی‌های کلی شهر و ساکنان آن در معماری خانه‌ها، دوم تحلیل‌های مبتنی بر قیاس بین کالبد خانه‌ها در نظامات پنج‌گانه، و سوم تحلیل‌های مبتنی بر تطابق فرهنگ زیست و معماری خانه‌ها، که مجموع این تحلیل‌ها حاصل این تحقیق است.

۲.۲. شناخت سنندج (ویژگی‌های جغرافیایی، فرهنگی، و اجتماعی شهر سنندج)

کردستان سرزمینی باستانی با کوه‌های بلند، جلگه‌های حاصلخیز، گذرگاه‌های صعب‌العبور و دره‌هایی با رودخانه‌هایی در اعماق است. جایگاه مردمی پرتکاپو که از سپیده‌دم تاریخ با امواج مهاجرت اقوام هند و ایرانی در جبال زاگرس ماوا گرفتند، با بومیان درآمیختند، و ماندگار شدند.^{۳۱}

طبق شواهد موجود، آنچه امروز به نام «شهر» سنندج می‌شناسیم، در دوره صفوی و در زمان شاه صفی بنیان نهاده شده است. سلیمان‌خان از خاندان اردلان در سال ۱۰۴۶ق و به دستور شاه صفی، به قصد برقراری ثبات و امنیت در ولایت کردستان، مأمور حکومت بر این منطقه می‌شود و با احداث ارگ حکومتی، با عنوان اولین بنای شهر جدید، سنندج (سنه‌دژ) را بنیان‌گذاری می‌کند.^{۳۲} شهر در دوره‌های بعد و در زمان حکومت حکام مختلف توسعه می‌یابد. گرچه روند این توسعه با فرازونشیب‌های بسیاری روبه‌رو می‌شود؛ اما در یک نگاه کلان، شهر همواره رو به رشد بوده است. همچنین بنا بر مستندات، در دوره صفوی با احداث ارگ حکومتی و عزیمت والی به سنندج، خانواده‌ها و صاحب‌منصبان حکومتی همراه وی نیز در شهر ساکن شدند و بخشی از اولین ساکنان شهر را تشکیل دادند^{۳۳} و به تدریج هسته اولیه محله‌های حکومتی گرداگرد عمارت‌های مقامات شکل گرفتند.^{۳۴}

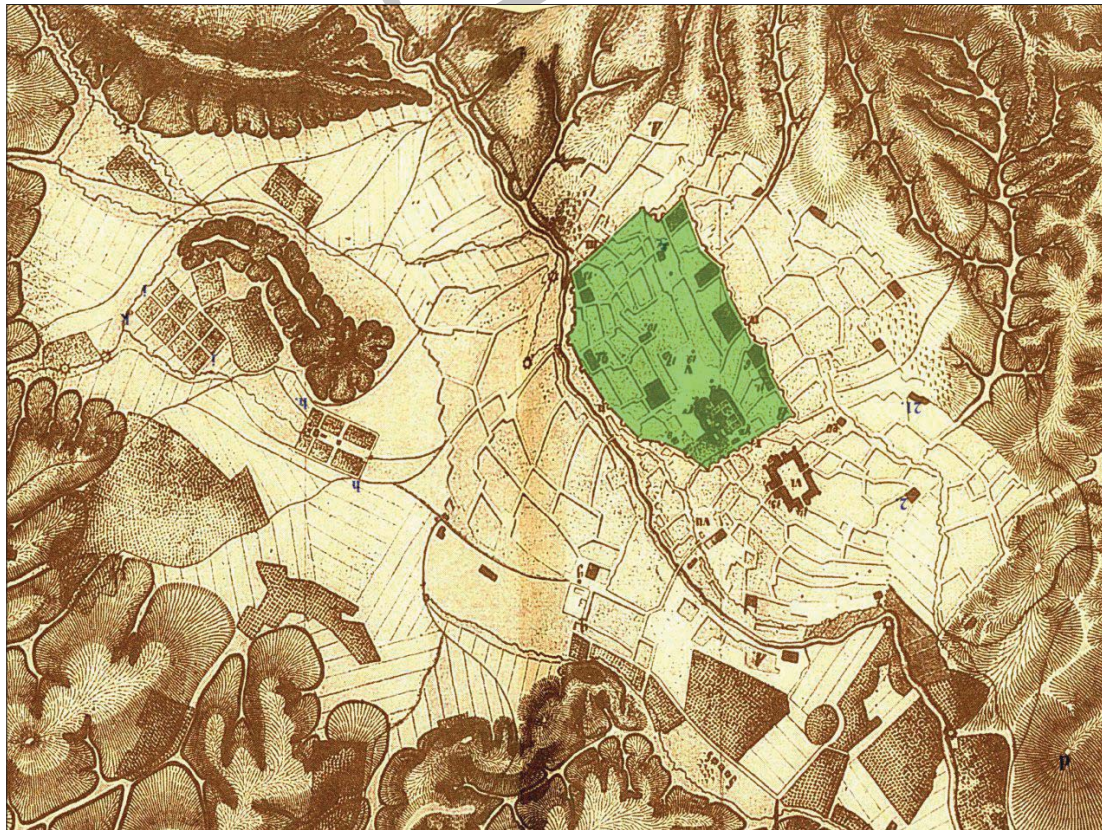
در مواجهه با بنا تهیه گردید که ساختار اصلی آن در «ت ۱» ارائه شده است.

نظام‌های پنج‌گانه بررسی شده از طریق تطبیق بین مدارک و

منبع تحلیل	اهم موارد قابل بررسی
نظام جای‌گیری بنا در بافت شهری	نظام هم‌نشینی در محله
	بلوک و بناهای اطراف
	نحوه اتصال به شبکه ارتباطی
نظام استقرار بنا	سیمای عمومی محله
	جهت‌گیری
	نحوه استقرار در بافت
نظام شکل‌گیری بنا	نحوه توده‌گذاری
	سازمان‌دهی کلی فضا
	سازمان‌دهی داخلی (تعیین تعداد و نوع فضاهای داخلی)
	سازمان‌دهی بین فضاهای باز و بسته
	نظام هندسی شکل‌دهنده فضاها
	انواع فضاهای فصلی
	انواع فضاهای وابسته به رویدادهای خاص
	ویژگی‌های کلی کالبدی (فرم، ابعاد، و مانند آن)
	نحوه دسترسی به فضاها، گردش در آن‌ها
	نحوه نورگیری فضاها
نظام شکل اجزای بنا	دید و منظر
	راه حل‌های طراحانه در مقیاس کل بنا برای پاسخ‌گویی به بستر طبیعی، فرهنگ، و معیشت
	انواع و ویژگی‌های فضاهای بسته، نیمه‌باز، و باز
نظام ساخت‌وساز	عناصر شاخص کالبدی
	نظام سازمان‌دهی نما
	پوشش گیاهی
	ساختار سازه‌ای
	مصالح
	آرایه‌ها

از نظر جغرافیایی، شهر سنندج و اطراف آن بستری «کاسه» مانند دارد که شهر در میان آن واقع شده و کوه‌های اطراف آن را احاطه کرده‌اند (ت ۲)، بدین ترتیب لازمه ورود به شهر، از هر سوی، عبور از گردنه‌های کوچک و بزرگ اطراف است. کوه‌های آبیدر و کچکه‌رش که از انشعابات رشته‌کوه‌های زاگرس هستند در سمت جنوب غربی و شمال شرقی شهر هستند. همچنین قسمت‌های زیادی از شهر روی تپه‌های متعدد و در نشیب‌وفراز آن‌ها ساخته شده است. با وجود این توپوگرافی مرزبندی محلات تا قبل از دوران پهلوی نه تنها بر

پایه عوامل تاریخی و فرهنگی بوده است؛ بلکه عوامل طبیعی نیز در شکل‌گیری آن‌ها نقش داشته است. همین‌طور شیب بستر بر شکل‌گیری بناها از جمله خانه‌ها نیز مؤثر بوده است. قرارگیری در بستر اقلیمی شهر سبب شده تا به‌طور کلی سنندج تحت تأثیر دو جریان عمده هوای گرم و سرد قرار گیرد. بدین ترتیب در سنندج شاهد زمستان‌های سرد و تابستان‌های ملایم و گاهی گرم هستیم. بادهای متفاوتی نیز در شهر می‌وزد که برخی با خود سوز سرمای زمستان را بیشتر می‌کند و برخی گرمای تابستان را می‌کاهد.



31. P.J. Bearman, *Encyclopedia of Islam*, Vol. 5, p. 449.

۳۲. نک: علی‌اکبر وقایع‌نگار کردستانی، *حدیقه ناصریه در جغرافیا و تاریخ کردستان*.

۳۳. نک: رحمت‌الله فرهودی و اکبر محمدی، «رونق توسعه تاریخی، کاربری اراضی و تنگناهای شهرسازی در سنندج».

۳۴. چنان‌که محله سرتپوله پیرامون منزل مشیردیوان و آصف و محله قطارچیان در جوار منزل وکیل و میان قلعه پیرامون خانه مشیروزیری و ملاطف‌الله شیخ‌الاسلام و محله چوارلان پیرامون منزل معمارباشی و صادق وزیری شکل گرفتند.

ت ۲. قرارگیری هسته اولیه شهر (ارگ حکومتی) و بناهای شاخص در نقشه شهر سنندج در عهد ناصرالدین‌شاه قاجار ۱۸۵۱م/ ۱۲۶۸ق که توسط روس‌ها ترسیم شده است، مأخذ: مهریار و دیگران، *اسناد تصویری شهرهای ایرانی در دوران قاجار*، ص ۱۹۷ (لازم به ذکر است پس از تطابق بین نقشه حاضر و عکس‌های هوایی سال‌های مختلف مشخص گردید نقشه با ۱۸۰ درجه چرخش منتشر شده است).

۳.۲. شناخت کلی مصادیق خانه‌های سندج و شیوه زیست در آن‌ها

خانه‌های بررسی شده در این پژوهش را نمونه‌های تاریخی موجود در شهر— که عمدتاً قاجاری و در محدود موارد پهلوی آغازین هستند— در بر می‌گیرند. به دلیل رجوع به کالبد این نمونه‌ها، ضروری بوده است تا از زمان ساخت این بناها یقین حاصل شود؛ زیرا پس از این دوره، بناها تحت تأثیر شرایط متفاوتی قرار گرفته‌اند طوری که نه تنها زندگی در آنها از زیست سنتی فاصله گرفته است، بلکه کالبد نیز از گرایش‌های غیربومی متأثر شده است. در این راستا گام نخست شناسایی محلات تاریخی شهر و محدوده هریک بوده است. قرارگیری در این محلات و یا محدوده خارج از این محلات خود نشانگر زمینه شکل‌گیری خانه در شهر بوده است. در گام بعدی، افزون بر بررسی کتیبه‌ها و مستندات موجود در کالبد بناها، خانه‌های تاریخی در عکس ماهواره‌ای جانمایی گردید و پس از تطبیق آن با عکس هوایی سال ۱۳۳۵ خورشیدی و نیز نقشه موجود از دوران ناصری (که روس‌ها ترسیم کرده بودند)، جای‌گیری خانه‌ها در این دو سند نیز تدقیق شد. در نهایت با رجوع به متون تاریخی^{۳۸}، افزون بر شناخت کلی شیوه زندگی در زمانه یادشده، برخی از ساکنان اصلی خانه‌های تاریخی که از نام‌آوران شهر بوده‌اند، شناسایی و زمان زیست این افراد مورد توجه قرار گرفت (ت ۳ و ۴).

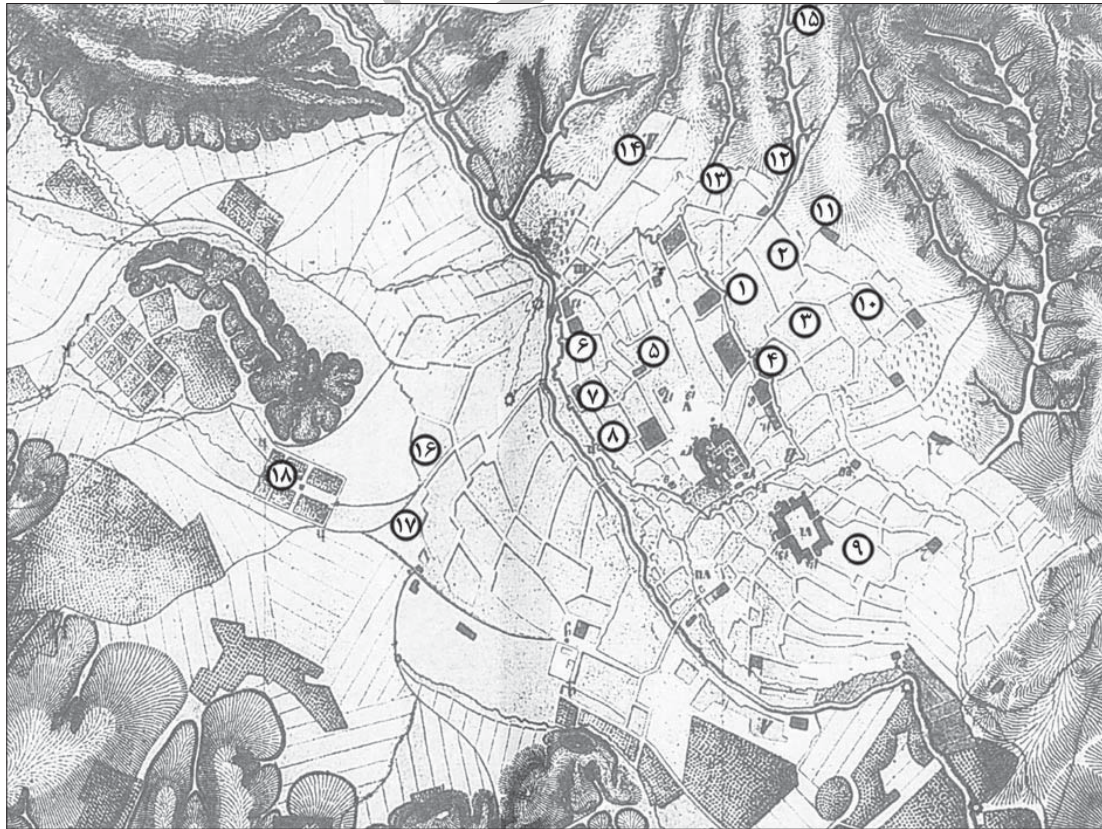
از سوی دیگر، در خانه‌های شهر سندج، مانند خانه‌های شکل‌گرفته در دیگر نقاط کشور، از الگوهای کلی معماری اصیل ایرانی (اسلامی) تبعیت شده است و دارای ویژگی‌های مشابه متعددی هستند. به طور کلی در مقیاس جای‌گیری در محله، نظام هم‌نشینی بلوک‌ها در محله، منتج از تعداد قطعات تشکیل‌دهنده بلوک و ابعاد و تناسبات آن‌ها، متغیر است و قطعاتی با ابعاد کوچک در جوار قطعات با ابعاد بزرگ قرار گرفته‌اند. در تطبیق بین نقشه‌های مختلف، می‌توان دریافت که بیشتر بلوک‌ها در یکی از اضلاع محیط پیرامون خود یک

از نظر فرهنگی، اهالی سندج یا به صورت عام کردها را در بستر تاریخی و فرهنگی آنجا قومی کهن می‌توان شناخت که در تاریخ تهاجم‌ها و مقابله‌ها استوار تا پای جان ایستاده‌اند. این روحیه را می‌توان از روح کرد، که انعکاس طبیعت اوست، منشعب دانست.^{۳۵} در تاریخ می‌خوانیم که کردها در ابتدا مظاهر طبیعت را می‌پرستیدند، سپس به آیین زرتشت گرویدند و در قرن پنجم میلادی نیز دین مسیح وارد این منطقه شد؛ اما در سال ۱۸ق سپاه عرب به امر خلیفه دوم عازم منطقه شد و با شکست کردها دین اسلام غالب گردید^{۳۶} و هم‌اکنون اکثر کردها مسلمان، اهل تسنن، و پیرو مذهب شافعی هستند. هنوز هم بسیاری از آداب و رسوم مردم کرد در طول سال به طور مستقیم یا غیر مستقیم مرتبط با طبیعت است. افزون بر این هنوز هم طبیعت در این منطقه اصلی‌ترین راه امرار معاش مردم به صورت‌های گوناگون است و بدیهی است که زندگی مردم این خطه هنوز هم پیوند عمیقی با طبیعت دارد و طبیعت بر بسیاری از شئون زندگی آنان از جمله معماری مؤثر است. این تأثیر چنان که خواهیم دید برای اختلاط زندگی با فضای بیرون بوده است، نه گریز و پرهیز از طبیعت پیرامون. از سوی دیگر، فرهنگ کردی باعث شده تا شهر در کردستان از روستا جدا نباشد. برخی معتقدند آداب و رسوم موجود در سندج آدابی روستایی است. شاید بتوان ادعا کرد که تعامل با طبیعت و ارتباط درون و بیرون فضاها از این موضوع نشئت گرفته که بی شک در معماری این منطقه تأثیرگذار است. ساختار اجتماعی در کردستان عمدتاً نظام طایفه‌ای است که اعضای آن از خط پدری طایفه نسب می‌برند. همچنین به صورت عام اولین واحد اجتماعی—اقتصادی خانواده است. در میان این قوم مراد از خانواده اغلب خانواده گسترده است^{۳۷}. از سوی دیگر، در فرهنگ کرد هر دو جنسیت به نوعی محترم هستند؛ اما می‌توان آثاری از مردسالاری را در این فرهنگ مشاهده کرد. با وجود تحولات اجتماعی در دوران معاصر هنوز می‌توان آثار این مراتب اجتماعی را در شهر سندج مشاهده کرد.

۳۵. نصرالله کسریان و زیبا عرشی، *کردهای ایران*، ص ۹.
 ۳۶. محمدرفیق توکلی، *تاریخ تصوف در کردستان*، ص ۱.
 ۳۷. که به معنای پدر، مادر، فرزندان و فرزندان اولاد ذکور است.
 ۳۸. از این دست می‌توان به تحفه ناصری، شرفنامه بدلیسی و حدیقه ناصریه در جغرافیا و تاریخ کردستان اشاره داشت.

گذر اصلی دارند که متصل کننده به شبکه شهری است. برخی از این بناها در جوار باروی اصلی ارگ هستند که منجر به همجواری با گذر اصلی بوده است، مانند خانه اصف وزیری (که، پس از تطبیق نقشه‌های مختلف، روشن شد، به دلیل تطابق معبرگشایی در دوران پهلوی با یک وجه از باروی ارگ، همجوار با معبر اصلی فعلی نیز هست)، یا برخی در وجه دیگر همجوار با باروی ارگ بوده، که به دلیل مجاورت با نهر موجود، مشرف بدان بوده‌اند، مانند خانه‌های مجتهدی، متوسل، و صحرای. اغلب ساختمان‌های محله‌ها، به دلیل شیب زمین و بهره‌گیری از

دید مناسب، دو یا سه طبقه هستند. همچنین به اعتبار عکس‌ها و متون تاریخی، معابر اطراف خانه‌ها دارای جهات و تناسبات متفاوتی بوده‌اند. شیب قابل توجه زمین در منطقه باعث شده که بنا در جبهه‌هایی در ارتفاع زیادی نسبت به معبر ساخته شود. از وجه نظام استقرار بنا، به طور عمومی، جهت استقرار در خانه‌ها در یکی از این دو جهت شمال شرقی- جنوب غربی یا شمال غربی- جنوب شرقی است^{۳۹}، به این خاطر بهترین شرایط برای دریافت تابش آفتاب در زمستان برای این خانه‌ها فراهم شده است. هندسه شکل دهنده بنا از درون به بیرون است و در مرکز



۳۹. کلیایی، درامدی بر شناخت معماری خانه‌های قاجاری سنندج، ص ۴۴.

ت ۳. جانمایی خانه‌های تاریخی موجود در نقشه قاجاری، مأخذ نقشه: همان‌جا؛ جانمایی و ترسیم: وحید کلیایی.

به تحلیل‌های آنها اکتفا می‌گردد. لیکن ذکر این نکته ضروری است که با توجه به رویه مطرح‌شده در بخش‌های پیشین، پس از بررسی کلی خانه‌های تاریخی موجود در شهر، برای خانه‌های منتخب (خانه‌های قاجاری آصف وزیری، ملا لطف‌الله شیخ‌الاسلام، مجتهدی، متوسل، مردوخ، شهابی، و خانه‌های پهلوی ملایی^{۴۰} و احمدزاده) اطلاعات لازم در قالب نظامات پنج‌گانه گردآوری و تحلیل شده است. دلیل انتخاب این نمونه‌ها،

حیاط اصلی و در پیرامون توده یا بعضاً حیاط‌های کوچک قرار دارند. به استناد تصاویر و متون تاریخی، در بناهای دیوانی، حیاط اصلی به بخش بیرونی اختصاص یافته است ولی، به دلیل محدودیت اطلاعات، از خانه‌های غیر دیوانی اطلاعات دقیق دریافت نشده است.

به دلیل محدودیت‌های موجود در قالب نوشتار مقاله، از عرضه داده‌های گردآوری‌شده برای خانه‌ها پرهیز شده و تنها

۴۰. این خانه یا در سال‌های پایانی دوره قاجار شکل گرفته است و یا در سال‌های ابتدایی پهلوی.

ت ۴. جانمایی خانه‌های تاریخی موجود در عکس هوایی سال ۱۳۳۵، جانمایی: و. کلیایی.
فهرست خانه‌های تاریخی:

۱. آصف وزیری
۲. مشیردیوان
۳. احمدی
۴. ملک التجار
۵. ملا لطف‌الله
۶. متوسل
۷. مجتهدی
۸. صحرايي
۹. پیرمرادی
۱۰. رحیم‌زاده
۱۱. شهابی
۱۲. عطایی
۱۳. جواهری
۱۴. ملایی
۱۵. نانواباشی
۱۶. مردوخ
۱۷. وکیل‌الملک
۱۸. خسروآباد



۴۱. به طور نمونه خانه مشیردیوان به دلیل وسعت بنا (و دارا بودن پنج حیاط مجزا) و عمارت خسروآباد به دلیل جایگاه آن به منزله بنایی فراتر از خانه، از دایره انتخابها حذف گردیدند.
۴۲. که می‌توان به آبادانی حاصل از قنوات مختلف شهر که بسیاری اهدایی رجال شهر بوده‌اند ←

ت ۵. ایوان خانه قاجاری آصف وزیری و عکس تاریخی این ایوان از حضور صاحب‌منصبان منطقه، مأخذ: مجموعه عکس‌های تاریخی سنندج؛ گردآوری شده توسط اسعد گازرانی.

افزون بر ویژگی‌های کالبدی، در امان بودن از تغییرات در طول زمان، امکان بازدید از همه بخش‌های بنا و نزدیک بودن بنا به خانه‌های رایج در شهر^{۴۱} بوده است.

افزون بر بررسی‌های کالبدی، آنچه در این پژوهش مورد نیاز بوده است، تسلط به حال‌وهوای زندگی در خانه‌های تاریخی سنندج است. داده‌ها در این حیطة به دو طریق گردآوری شده است: نخست از لابه‌لای سطور متون تاریخی که با وجود رجوع متعدد به این متون، کمتر ناظر بر نحوه زندگی در داخل خانه بوده است. با وجود این بنیان کلی زندگی در شهر، نظام رایج زیست، طبقات اجتماعی، و گرایش‌ها و باورها را پیش رو نهاده است. از این دست می‌توان به شرایط آبادانی شهر، رونق گرفتن شهر با حمایت رجال^{۴۲}، مرفقی شدن با نمودهای تجدد در اواخر قاجار^{۴۳}، همنشینی مسالمت‌آمیز ادیان مختلف^{۴۴}، وجود زندگی دیوانی در خانه‌های مشاهیر^{۴۵}، تأثیر زندگی دیوانی بر زندگی اهالی شهر^{۴۶}، وجود خانه‌های با روح و منظر به خاطر



غیر مسطح بودن زمین^{۴۷}، عیان بودن طبقات اجتماعی در شهر و بناها، فقدان امنیت در شهر در طول تاریخ^{۴۸}، تأثیرگذاری علما و حکام شرع در زندگی اجتماعی^{۴۹}، و ارتباط شهر و دهات اطراف به واسطه نظام تولید اشاره داشت. همچنین در مورد ویژگی‌های فرهنگی ساکنان می‌توان به نوعی گرایش به عرفان^{۵۰}، اهمیت داشتن نظام خانوادگی، ممتاز بودن اهالی به دلیل شجاعت و مردانگی و سخاوت و فرزانیگی، علاقه عمومی به سرور و عیش، رواج همچشمی و حسد در میان طبقه فرادست، و شرایط متفاوت زنان و پوشش آن‌ها در خانه و شهر نسبت به پوشش رایج در دیگر شهرها^{۵۱} اشاره کرد.

روش دوم برای گردآوری داده از شیوه زیست در خانه‌های تاریخی رجوع به ساکنان سالمند (و مطلعین فرهنگی) برای مصاحبه با ایشان بوده است. مطالب مستخرج از این روایات بیشتر ناظر بر حس‌وحال زندگی درون خانه‌ها بوده است و اطلاعات دقیق‌تری از نظام زندگی خانوادگی پیش روی پژوهشگران گذاشته است.

۳. تحلیل داده‌ها

همان‌طور که ذکر شد، تحلیل‌ها در سه سطح انجام شده است. نخست تحلیل‌های مبتنی بر تأثیر ویژگی‌های کلی شهر و ساکنان آن در معماری خانه‌ها، دوم تحلیل‌های مبتنی بر قیاس بین خانه‌ها در نظامات پنج‌گانه، و سوم تحلیل مبتنی بر تطابق فرهنگ سکونت و معماری خانه‌ها. لازم به ذکر است خانه‌هایی که برای بررسی در این پژوهش برگزیده شده‌اند، خانه‌های قاجاری و پهلوی هستند. تلاش شده است تا نمونه‌های انتخاب‌شده تنوع نسبتاً زیادی چه از حیث موقعیت قرارگیری در محلات مختلف و چه از حیث ابعاد و اندازه و کیفیت فضاهای معماری داشته باشند. همچنین تلاش گردیده تا از پرداختن به مطالب تکراری، که در بیشتر نمونه‌های معماری خانه‌های ایران هست، پرهیز شود و تمرکز نوشتار بر نمایاندن نقاط تمایز باشد.

→ و نیز موقوفات فراوان آن‌ها برای ابنیه عمومی مانند حمام و کاروانسرا اشاره کرد (نک: سنندجی، تحفه ناصری، ص ۱۷-۱۸).
 ۴۳. «تاسی سال قبل اهالی این مملکت در شهر و بلوکات به همان سیاق کردی که قریب وحشیگری است رفتار نموده و از تمدن بهره کافی نداشته. در این مدت رفته‌رفته ترقی کرده، سربازخانه، تلگرافخانه، پستخانه، قورخانه و توپخانه دولتی در این شهر ایجاد شده است» (نک: همان، ص ۱۶-۱۷).
 ۴۴. همان، ص ۱۷.

ت ۶ و ۷ (راست و چپ). تلاش برای شکل‌دهی به نمای مشابه در دو خانه مجتهدی و ملاطفاالله، عکس‌ها، و. کلیایی.

این نوع خانه‌ها اجزای دیگر بنا مانند سردر و هشتی و دالان ورودی و دیگر فضاهای دسترسی که نظرهاغبار و میهمانان بازدیدکننده بوده‌اند ابعاد بزرگ‌تر و ساختار چشم‌گیرتری دارند. متناسب با جایگاه صاحب‌خانه و مکتب او و به تبع آن نوع مراجعان هر بنا، تناسب این اجزا نیز تغییر می‌کند.

در نوع دوم به زندگی طبقه متوسط جامعه برمی‌خوریم که به دو دلیل از بناهای نسبتاً وسیعی بهره گرفته‌اند. نخست، قیاس با خانه‌های دیوانی موجود که شکل‌دهنده هسته اصلی شهر بوده‌اند و تلاش در نوعی تقلید و تبعیت از این خانه‌ها (ت ۶ و ۷)، دوم اینکه مرکزیت سنندج در منطقه کردستان باعث رفت‌وآمدهای پیاپی در خانه‌های طبقه متوسط می‌شده است. در برخی از این نوع خانه‌ها، به علت ارتباط بین شهر و روستا (و واسطه معیشت مبتنی بر تولید)، این عرصه خدماتی خانه است که بزرگ‌تر شده است. نوع سوم از زندگی نیز بوده است که به گروه‌های فرودست جامعه تعلق داشته که بیشتر به شغل‌های خدماتی مشغول بوده‌اند و متأسفانه شواهد مستدلی از این زندگی و کالبد معماری آن‌ها بر جای نمانده است.

۱.۳. تحلیل‌های مبتنی بر تأثیر ویژگی‌های کلی شهر و ساکنان آن در معماری خانه‌ها

با بررسی ویژگی‌های برشمرده‌شده برای سنندج (که به دلیل محدودیت، بسیار خلاصه در نوشتار حاضر بیان شده است)، می‌توان ارتباطی بین آن‌ها و معماری خانه‌های تاریخی شهر سنندج یافت که در ادامه مهم‌ترین آن‌ها شرح می‌شود.

۱.۱.۳. شکل‌گیری خانه‌های دیوانی و مشابه

همان‌طور که ذکر شد، هسته اولیه شهر با ساخت عمارت‌های صاحب‌منصبان و منسوبین آن‌ها شکل گرفته است. به همین دلیل در نمونه‌های بررسی‌شده سه گونه زندگی در خانه‌ها شکل گرفته است: در نوع اول، زندگی یک صاحب‌منصب جریان داشته که به دلیل مشغله دیوانی متعددی را در خانه پذیرا بوده است^{۵۲}. به دلیل حضور این مراجعان و اهمیت صاحب‌خانه نزد مردم، عرصه اصلی خانه به «بیرونی» یا همان فضای پذیرایی از مهمانان اختصاص یافته است (ت ۵) و به همین خاطر این عرصه عظمت و کیفیت خاصی دارد. همچنین در



۳. ۱. ۲. تأثیر فرهنگ کردی در تعامل بین درون و بیرون خانه

همان‌گونه که مطرح شد، فرهنگ کردی، متأثر از سابقه سکونت و نیز جغرافیای خاص ناحیه، در ارتباط وسیع با طبیعت است. ازسوی دیگر، جدا نبودن شهر از روستا در کردستان و ارتباط تنگاتنگ زندگی، فرهنگ، و اقتصاد شهر و روستا در این خطه کاملاً مشهود است. از این رو بیراه نیست اگر میل به ارتباط وسیع و عمیق بین فضای درون و بیرون، که در روستاهای کردستان رایج است، در خانه‌های شهر نیز دیده شود. در عین حال و با وجود این خصلت که برای خانه‌های سنندج ذکر شد، می‌توان آن‌ها را درون‌گرا نیز نامید. با وجود تشابهات این بناها با بناهای فلات مرکزی ایران، تعامل درون و بیرون خانه‌های

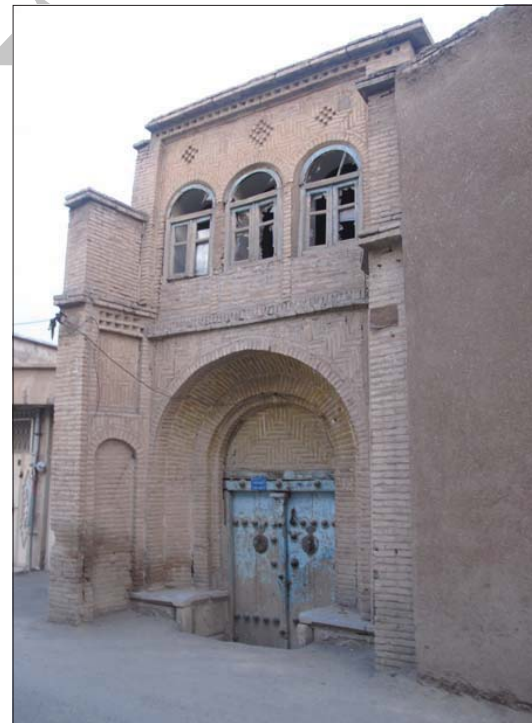
سنندج در مقایسه با خانه‌های فلات مرکزی ایران متفاوت است. در سنندج (با حفظ اصل محرمیت)، باز شو یا بازشوهایی به سمت خارج بنا ایجاد شده است. عموماً این بازشوها در بخش اندرونی نیست و فقط در بخش بیرونی است.

۳. ۱. ۳. توجه به موضوع امنیت در خانه به دلیل جغرافیای محلی

استقرار شهر سنندج در کوهستان‌های زاگرس و وقوع درگیری‌های مختلف در این محدوده‌ها سبب شده است تا امنیت در ذهن اهالی سنندج موضوعی پراهمیت باشد. این موضوع در متون تاریخی نیز اشاره شده است^{۴۵} و با توجه به سابقه تاریخی هجمه‌های مکرر به شهر، کاملاً منطقی می‌نماید. به همین دلیل خانه‌های سنندج چونان دژی مستحکم طراحی شده و بر سردر ورودی خانه‌ها نیز بالاخانه‌ای برای دیدن بیرون و نظاره شرایط پدید آمده است. نکته جالب توجه آن است که اگر این بازشوها تنها برای امنیت بود باید کوچک‌تر و حتی نهان‌تر می‌بود؛ حال آنکه در بسیاری از مصادیق، افزون بر امنیت، نه تنها شرایط زندگی اجتماعی حاکم که متأثر از نظام ارباب و رعیتی است و چنین فضاهایی را رواج می‌دهد، طلب نظاره کردن نیز این بازشوها را به نظرگاه بدل کرده است (ت ۸).

۳. ۱. ۴. اهمیت جهت‌گیری به سمت منظرگاه بیرونی در خانه‌های سنندج

در متون تاریخی ذکر شده است که «آبادی این شهر در زمین غیر مسطحی است و به این واسطه اغلب خانه‌ها با روح و منظر است»^{۴۶}. این از آن روست که منظرگاه‌های سرسبزی در اطراف شهر هست، توأم شدن این امر با میل ذاتی مردم به پیوند زندگی‌شان با طبیعت باعث شده تا در کالبد خانه‌ها بازشوهایی رو به بیرون و مناظر موجود ایجاد شود. در این بین، نکته حائز اهمیت پیشی گرفتن چنین موضوعی



۴۵. اشاره به انجام وظایف دیوانی، برگزاری گردهمایی‌های اعتراضی و بست‌نشینی، جلسات صلح و آشتی در خانه رجال شهر و مانند آن‌ها (نک: همان، ص ۳۴۴-۳۴۶).
۴۶. بدلیسی، شرفنامه، ص ۸۴.
۴۷. همان، ص ۱۶.
۴۸. همان ۳۴۷ و ۳۸۵.
۴۹. همان، ص ۱۸.
۵۰. نک: توکلی، تاریخ تصوف در کردستان.
۵۱. سنندجی، همان، ص ۱۷-۲۰.
۵۲. همان، ص ۳۴۷.
۵۳. همان، ص ۳۴۷ و ۳۸۵.
۵۴. همان، ص ۱۶.

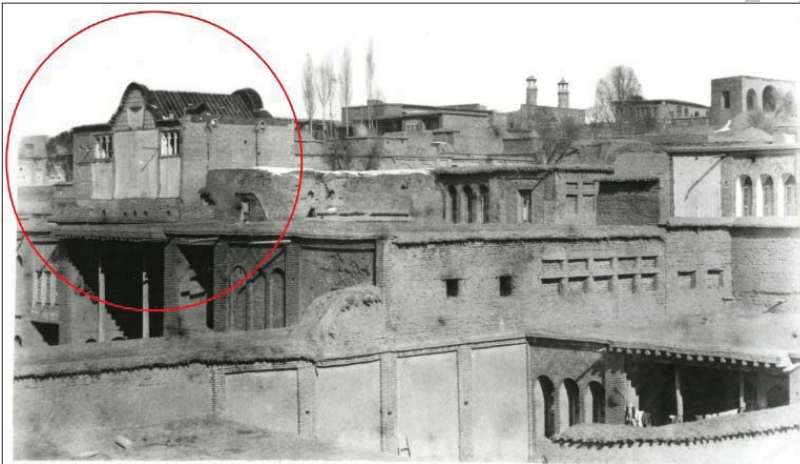
ت ۸. شکل‌گیری بالاخانه بر سردر، عکس: آ. آقالطیفی.

۲.۲.۳. تطبیق نظام استقرار بنا با بستر جغرافیایی محله

شکل کلی و سیمای بیرونی خانه‌ها متأثر از بستر طبیعی‌شان است. خانه‌هایی که بر بستری هموار قرار گرفته‌اند سیمایی پوشیده‌تر و درون‌گراتر دارند، اما در آنجا که، به واسطه شیب زمین، میدان دید و اشراف بهتری برای خانه پدید آمده، کالبد بنا به بیرون گشوده شده است. در واقع در این خانه‌ها با وجود بزرگی حیاط، به فضای باز حیاط اکتفا نشده و هر کجا امکان نظاره منظر پیرامون نیز فراهم بوده، از آن استفاده شده است. ویژگی گشایش به بیرون در این خانه‌ها از مهم‌ترین ویژگی‌های آنان است که با آنچه در معماری خانه‌های سنتی در «بیشتر» شهرهای ایران سراغ داریم متفاوت است. نحوه انتظام فضای باز و بسته در این خانه‌ها نیز به گونه‌ای است که در اغلب آن‌ها فضاهای باز و بسته تجمیع شده‌اند. حاصل این امر، تک‌حیاط‌ها یا محدود حیاط‌هایی با اندازه‌های بزرگ است که فضاهای بسته در بعضی جبهه‌های آن واقع شده‌اند. کم بودن تراکم در این خانه‌ها باعث سبکی بصری حجم بنا می‌شود و درهم‌تنیدگی فضاهای باز و بسته را افزایش می‌دهد (ت ۱۱).

۵۵. رطوبت نسبی در این شهر سبب می‌شود بیشتر بتوان به مصالحی نظیر سنگ و آجر اتکا کرد.

ت ۹. تصویری از سنندج دوره قاجار که در آن خانه ملاطلف‌الله مشخص است. وضعیت درختان و باقی‌مانده برف بیانگر آن است که این بازشو در زمستان توسط پوشاننده‌هایی بسته می‌گردید، مأخذ: مجموعه عکس‌های تاریخی سنندج، گردآوری شده توسط اسعد گازرانی.



بر وجوه اقلیمی برساننده بناها است. لازم به ذکر است که وجود بازشو به سمت منظرگاه بیرونی در بناهای قاجاری در دیگر نقاط کشور معمول نبوده است؛ لیکن با تطبیق بین نقشه‌های موجود از بنا و نقشه‌ها و تصاویر تاریخی از سنندج، می‌توان دریافت که برخی از این خانه‌ها دارای بازشوهایی به منظرگاه بیرونی هستند که در شرایط سخت اقلیمی با زحمت پوشانده می‌گردید (از این دست می‌توان به بازشوهایی خانه ملاطلف‌الله، قاضی‌القضات دوره قاجار در تصویر ۹ اشاره کرد).

۳.۱.۵. بهره‌گیری از مصالح سنگی در خانه‌های سنندج

به طور کلی، بستر شهر شیب و توپوگرافی متنوعی دارد که بر شکل‌گیری بناهای شهر از جمله خانه‌ها نیز مؤثر بوده است. از سویی، مجال فراز و فرود را به بنا داده است، در نتیجه معماران امکان برافراشتن بناها را بر کرسی‌های سنگین یافتند تا به اقتضا امکان حفاظت در برابر ناامنی و یا امکان ساخت منظرگاه را فراهم کنند، از سوی دیگر، پاسخی به رطوبت نسبی در این اقلیم دهند^{۵۵}.

۳.۲. تحلیل‌های مبتنی بر قیاس بین کالبد خانه‌ها

۳.۲.۱. طراحی حیاط‌های فراخ

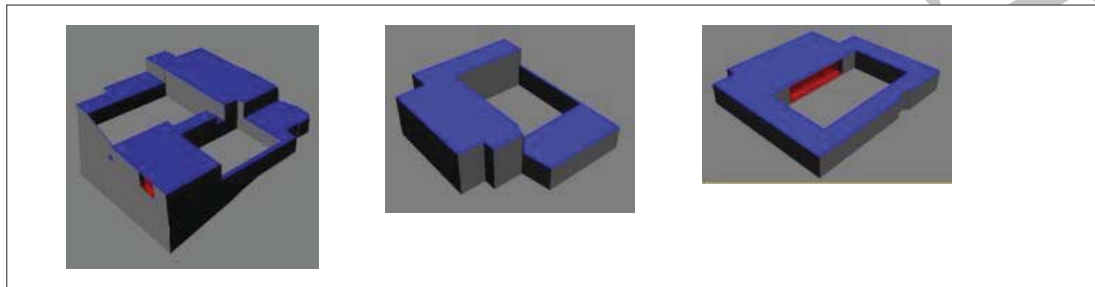
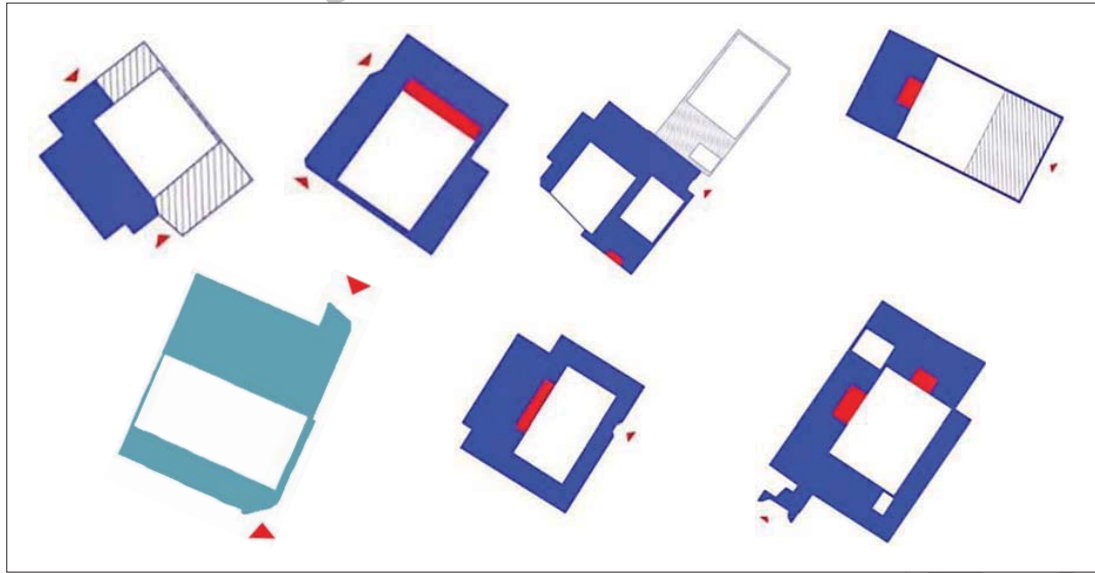
در این خانه‌ها، فضای باز اندازه قابل توجهی دارد و به طور میانگین نیمی از مساحت زمین را اشغال کرده است. به علاوه به منظور بزرگ‌تر کردن (فراخ‌تر جلوه دادن) حیاط تمهیدات دیگری نیز اندیشیده شده است. در بیشتر خانه‌ها حداقل یک جبهه حیاط خالی است، ضمناً تعداد جبهه‌های دوطبقه بنا کم و کوچک است. در واقع در هیچ‌یک از خانه‌ها سعی در استفاده حداکثری از زیربنا (اصطلاحاً تراکم زیاد) نبوده است. حاصل این‌ها حیاط‌هایی بزرگ و پر نور است که میدان دیدی فراخ دارند. به طور معمول هم ورودی‌ها در گوشه‌های حیاط قرار داشته‌اند (ت ۱۰).

۳.۲.۳. سبکی حجم بنا

آنچه از بررسی خانه‌های منتخب روشن شد، نسبت سطح اشغال شده در طبقات غیر همکف کمتر از ۲۵٪ مساحت بوده است. این به معنی باز بودن گستره دید در طبقات فوقانی ابنیه و به بیان دیگر سبک شدن ساختمان در بخش فوقانی است. این موضوع با افزایش بازشوها به فضای داخلی و خارجی (به واسطه کاهش محدودیت به دلیل اصل محرمیت) تشدید نیز شده است که به نوعی منجر به سبکی بصری حجم بنا شده است (ت ۱۲).

۴.۲.۳. وجود مرتبه‌بندی در عرصه‌های زندگی

فضاهای اطراف حیاط مرتبه‌بندی قابل تشخیصی دارند و در قالب مجموعه‌ای از فضاهای مرتبط با هم، که آن‌ها را «عرصه» نام نهاده‌ایم، در کنار حیاط نشسته‌اند. در بین این عرصه‌ها، عرصه‌ای از هر حیث مهم‌ترین بخش خانه است و با بسیاری از تمهیدات طراحی متمایز از سایر بخش‌ها شده است. در واقع حیاط‌های بزرگ این خانه‌ها بر صدر خود عرصه‌ای دارند که بیشترین پیوند فضایی و بصری را با آن دارد. گویی حیاط‌ها



ت ۱۰ (بالا). جهت‌گیری و توده‌گذاری در خانه‌های منتخب، مأخذ: اقالطیفی، آزاده. مستندسازی ابنیه مسکونی با رویکرد استخراج آموزه‌های معماری بومی و کاربرد آن در ساخت‌وسازهای معاصر (طرح پژوهشی)، گزارش اجمالی، ص ۱۱۳.

ت ۱۱ (پایین). تطبیق نظام استقرار بنا با بستر جغرافیایی محله در محلات مسطح، کم‌شیب، و پرشیب، مأخذ: همان، ص ۱۱۴.

۳.۲.۷. گشودگی به بیرون

گشودگی به بیرون (افزون بر نظاره حیاط) در شرایطی در این خانه‌ها محقق شده است که در برخی نقاط به خاطر آن، از هم‌سازی خانه‌ها با اقلیم نیز چشم‌پوشی شده است. گشودگی زیاد بعضی از خانه‌ها به بیرون در اقلیم سرد سنج و وجود فضای نیمه‌باز ایوان که سایه‌اندازی بر حجم بنا را افزایش می‌دهد، هیچ توجیهی از منظر هم‌سازی با سرمای زمستان ندارد و شاید بتوان ادعا کرد که «اهمیت فضای باز نزد ساکنان» و «میل به بهره‌مندی هرچه بیشتر از دید و منظری گسترده» یکی از اصلی‌ترین علل این امر است؛ این موضوع هم صورت و اندام کلی خانه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌داده و هم در سازمان‌دهی عرصه‌ها و ترکیب فضاها مؤثر بوده است؛ زیرا این گشایش ضرورتاً با اصل محرمیت در فضای اندرونی خانه‌ها عجین بوده است. بدین ترتیب، از هم‌جواری بناها با معابر اصلی پرشیب (که پیش از این اشاره شد) بهره گرفته شده و با سازمان‌دهی عرصه‌های داخلی، امکان گشودگی به بیرون در بخش بیرونی بنا میسر شده است (ت ۱۳ و ۱۴).

۳.۲.۸. ورودی‌های معظم

به طور معمول ورودی‌های خانه در گوشه‌های حیاط بوده‌اند. ورودی‌ها کمتر بدون دالان تعریف شده‌اند. وجود دالان افزون بر ایجاد محرمیت، مفصل مناسبی از نظر اقلیمی بوده است که

همه بزرگی و گشایش خود را به بهانه گسترده آن پیش روی این عرصه به دست آورده‌اند. ساختار درونی این عرصه در اغلب خانه‌ها، فارغ از کوچکی و بزرگی آن‌ها، یکسان است. بدین ترتیب گویا نه تنها اتاق‌های خانه‌های سنج صدر و ذیل دارند؛ بلکه حیاط هم چنین است.

۳.۲.۵. نقش فضای باز و نیمه باز در ساختار بنا

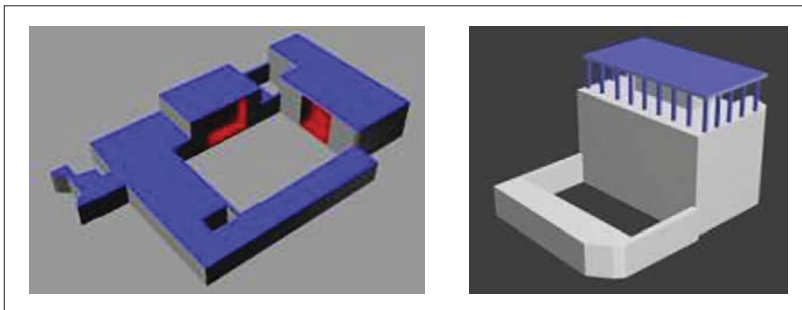
در قیاس نقشه‌ها، روشن است که در بیشتر خانه‌ها تصمیم بر کاهش تعداد عرصه‌ها (فضاهای بسته) و افزودن به اندازه فضای باز بوده است. این نکته وقتی بیشتر جلب توجه می‌کند که فضای نیمه‌باز ایوان موجود در بیشتر خانه‌ها را در ارتباط با این عرصه‌ها در نظر بگیریم. بدین ترتیب اهمیت حضور فضای باز و نیمه‌باز در خانه و ترکیب آن با فضای بسته بارزتر به نظر می‌رسد^{۵۶}. همچنین لازم به ذکر است که عرصه‌های مذکور در بیشتر خانه‌ها از درون به هم راه ندارند و فقط از راه حیاط به هم مرتبط هستند. این موضوع باعث پیوند هرچه بیشتر فضاهای بسته با حیاط شده است. از سویی، این ارتباط در عرصه‌های اصلی از طریق فضای نیمه‌باز ایوان برقرار می‌شود. از سویی دیگر، وجود پنجره‌های ارسی و قابلیت آن در گشایش به فضای باز را نمی‌توان نادیده انگاشت.

۳.۲.۶. حفظ حریم درونی خانه و اصل محرمیت

وجود طبقه بالا در عرصه اصلی، با میدان دیدی گسترده، نقطه اوج گشایش به بیرون خانه است. طبقه‌ای که با توجه به وضعیت جغرافیایی شهر، به هر سو که گشوده شود، منظری چشمگیر در برابر خود دارد؛ ولی نحوه بهره‌گیری از فضای باز در کالبد خانه‌ها به گونه‌ای بوده است که حریم درونی خانه‌ها را مخدوش نکرده است و در هیچ کجا اشراقی از بیرون به درون خانه نیست.

۵۶. هرچند نمی‌توان از دیگر دلایل کارکردی مانند فضاهای پشتیبان برای نظام تولید چشم‌پوشی کرد.

ت ۱۲. سبک شدن احجام در طبقات فوقانی در نمونه‌های قاجاری و پهلوی، مأخذ: همان، ص ۱۱۴.



فضای مکئی برای گریز از باد و بوران ایجاد می‌کرده است. برخلاف هشتی و دالان‌های دیگر نقاط کشور، این فضا در خانه‌های منتخب ارتفاع بلندی داشته و گاهی ارتفاع به نزدیک ۵ متر نیز رسیده است. این ارتفاع نه تنها ورودی را معظم کرده؛ بلکه در برخی خانه‌ها امکان ورود سوار (بر اسب) را نیز فراهم کرده است. همچنین در بسیاری از خانه‌ها شاهد شکل‌گیری

اتاقی بالای دالان ورودی به نام بالاخانه هستیم که عمدتاً بازشویی به سوی معبر دارد. وجود این فضا بیشتر جنبه امنیتی داشته و در عین حال از نظر کارکردی نیز پاسخ‌گوی شرایط زیست رایج در آن زمان (یعنی زیست مبتنی بر نظام ارباب و رعیت) بوده است. همچنین نشانگانی وجود دارد که در مسکن طبقه متوسط یا فرودست شهر از این بخش با عنوان فضای سکونت نیز بهره گرفته شده است (ت ۱۵).

۳.۳. تحلیل مبتنی بر تطابق فرهنگ سکونت و معماری خانه‌ها

در این بخش تحلیل‌ها مبتنی بر داده‌هایی است که از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته استخراج شده است.^{۵۷}

۳.۳.۱. اهمیت پرداختن به فضای باز در خانه‌های سنندج اصلی‌ترین ویژگی فرهنگی مطرح‌شده در مصاحبه‌ها، گرایش به طبیعت در فرهنگ کرد و میل به بهره‌گیری هرچه بیشتر از طبیعت در فضای درون خانه بوده است که سبب شده تا فضای باز در خانه‌های سنندج اهمیت بسیار یابد. در یکی از مصاحبه‌ها یاد شد که در گذشته ساکنان معمولاً از معماران این



۵۷. به دلیل محدودیت در مقاله، از ارائه جداول کدگذاری شده در فرایند تحلیل محتوا پرهیز شده است.

ت ۱۳ و ۱۴ (بالا، و پایین، راست). وجود بازشوهای متعدد برای ارتباط بیشتر با بیرون در خانه‌های متوسل و مجتهدی، عکس‌ها: و. کلیایی. ت ۱۵ (پایین، چپ). برپا کردن ایوان و فضای سکونت بر بالای ورودی پس از ساخت اولیه بنا، عکس: آ. آقالطیفی.



۳.۳.۳. متأثر بودن قواره فضاهای داخلی از فرش

در مصاحبه‌ها تأکید شده که فضای داخلی خانه متأثر از فرش بوده است. به بیان بهتر خانه‌های سنتی سنندج نیز مانند بسیاری از بناهای دیگر نقاط ایران قواره‌مند هستند. دور از ذهن نیست که، با وجود هنر قالی‌بافی و استفاده از زیراندازهای سنتی (سنندج یکی از مراکز مهم تولید آن در ایران است)، قواره و اندازه اتاق تحت تأثیر قرار گیرد. این امر نه تنها بر شکل‌گیری قواره برای فضاها مؤثر بوده است؛ بلکه بر شیوه سکونت در آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد و انتظام فضایی ایجاد می‌کند.

۳.۳.۴. اختصاص جایگاه ویژه برای پدر در فضاها

به استناد متن مصاحبه‌ها، هم‌نشین نبودن پدر خانواده با دیگر اعضا، به‌ویژه فرزندان، در گذشته جزء آداب اجتماعی و نشان‌دهنده حفظ احترام این فرد بوده است. به طور کلی در فرهنگ کردی نیز، پدر جایگاه ویژه‌ای داشته و دارد. بدین‌منظور در گذشته در خانه فضای اختصاصی پدر وجود داشته است.^{۵۸} در خانه‌های مورد بررسی، فضای اختصاص یافته به پدر در عرصه اصلی (به‌جز بخش دیوانی خانه‌ها که آن نیز به پدر مربوط بوده است) بنا به آداب زیست پدران در دیار کرد تفکیک، تقسیم، و نشانه‌گذاری شده است (ت ۱۶ و ۱۷).

خطه خواهان اختصاص سهم زیادی از زمین به حیاط بوده‌اند. همچنین بنا بر مصاحبه‌های صورت گرفته، روشن‌است مردم سنندج به حیاط بزرگ علاقه داشته‌اند و خواهان جلوه‌گری آن نیز بوده‌اند (در مصاحبه‌ها مکرر ذکر شد که باید عرض حیاط به چشم بیاید، حتی اگر این به منزله از دست رفتن امکان ساخت بنا در یک یا چند جبهه از حیاط باشد). بدین ترتیب در خانه‌ها سعی در استفاده حداکثری از زیربنا نبوده است و همین منجر به ایجاد حیاط‌هایی بزرگ و پر نور و میدان دیدی فراخ شده است.

۳.۳.۲. خواست نظاره به کوه آبیدر

به استناد مصاحبه‌ها، یکی از آداب اجتماعی موجود در سنندج، رجوع به «نظرگاه حضرت خضر» در کوه آبیدر بوده که اهمیت آن نزد اهالی در متون تاریخی نیز اشاره شده است.^{۵۸} این مکان که در غرب شهر واقع شده علاوه بر چشم‌اندازی زیبا، به اعتقاد مردم این شهر، دارای آبی شفابخش و مکانی مقدس است. بدین ترتیب تلقی مردم از کوه آبیدر سبب شده است که آن‌ها خواهان نظاره کردن بیشتر این مکان باشند و این موضوع منجر شده که در بسیاری از خانه‌ها، در حد امکان، در این محل نظرگاه پدید آید.



۵۸. سنندجی، همان، ص ۱۹.
۵۹. درعین حال این تفکیک همراه با آدابی بوده است و این آداب معمولاً با نشانه‌گذاری فضا همراه بوده است.

ت ۱۶ (راست). وجود صدر و ذیل در اتاق‌های خانه‌های سنندج، عکس: آ. آقالطیفی.
ت ۱۷ (چپ). حیاط اختصاصی پدر در خانه مشیردیوان، عکس: و. کلیایی.

۳.۳.۵. اهمیت ثبت اشیاء در فضاهای داخلی

در مصاحبه‌ها ذکر شده است که در فرهنگ کرد اشیا قابل احترام هستند، «سندجیان به آدم‌ها، خاطره‌ها، و حتی اشیا هم احترام می‌گذاشته‌اند». این موضوع سبب‌ساز وجود فضاهای مختلف برای ثبت خاطرات و نگهداری از اشیا بوده است. این امر دلیل فراوانی طاقچه‌ها و استفاده از آن‌ها در داخل اتاق‌ها برای نگهداری اشیای ارزشمند (و نه لزوماً گرانبها) بوده است. (ت ۱۸) همچنین در خانه‌های بررسی‌شده فضا با تزییناتش تفکیک می‌گردید. (ت ۱۹) این موضوع تا به امروز در فضاهای خانگی اهالی این شهر صدق می‌کند. بدین ترتیب فضاها نیاز به امکان الحاق تزیینات و جانمایی وسایل دارد.

۳.۳.۶. پوشش گیاهی متمرکز در حیاط خانه

به استناد مصاحبه‌های صورت‌گرفته، در فرهنگ عامه در سندج، نبود درخت متمرکز به نوعی بی‌ثمر بودن زندگی معنا می‌شده است. این موضوع را می‌توان به نزدیکی زیست ساکنان سندج با زیست روستایی و نظام تولید در آن ارتباط داد. اهالی این شهر به داشتن درختان متمرکز در محل زندگی خود علاقه‌مند بودند و هستند و به همین دلیل تعدد این درختان متمرکز هستند که در خانه جلوه‌گری می‌کنند.

۳.۳.۷. وجود فضای پشتیبان در محدوده فضای باز و

نیمه باز خانه

به واسطه وجود درختان متمرکز در خانه و نیز ارتباط مستمر با روستا و دریافت محصولات تازه، نیاز به فضاهایی برای آماده‌سازی مواد غذایی و خشک کردن محصولات بوده است که بیشتر در بخش‌هایی از فضای باز حیاط و فضای نیمه‌باز ایوان و فضاهای چندعملکردی مانند «غلام‌گردش» در طبقات فوقانی بوده است.

۳.۳.۸. چینش خاص درختان و حوض در حیاط

برگرفته از متون مستخرج از مصاحبه‌ها، در گذشته، در سندج، مانند دیگر نقاط کشور، آیین‌ها و مراسم خانوادگی همگی در خانه، به‌ویژه در حیاط، برگزار می‌شد. بدین منظور پوشش گیاهی در حیاط‌ها به نحوی بوده است که معمولاً دور حوض‌ها در حیاط با فاصله درخت می‌کاشته‌اند. این بدان جهت است که در مراسم عروسی، مطابق با رسم کردها، دور حوض می‌رقصند و می‌گردند.

با توجه به همه موارد مطرح‌شده در سه گام تحلیلی پیش‌گفته، می‌توان نقاط تمایزی برای خانه‌های سندج قائل شد که این تمایز می‌تواند نسبت به برخی نقاط دیگر کشور



ت ۱۸ (راست). طاقچه‌های رنگی در خانه‌های پهلوی، عکس: آ. آق‌الطیفی.
ت ۱۹ (چپ). تفکیک فضایی با استفاده از گچبری‌ها، عکس: و. کلیایی.

۴. نتیجه گیری

کمتر یا بیشتر باشد. بدین ترتیب تأکید بر این نکات به معنای این نیست که این موضوعات در دیگر شهرها تکرارناشدنی است. با وجود این می‌توان ادعا کرد که فرهنگ خاص کردی، ویژگی‌های جغرافیایی، اجتماعی، و تاریخی شهر، روند شکل‌گیری و تحولات شهر، و حتی آموزه‌های معماران توانسته است ویژگی‌های خاصی به کالبد خانه‌های آن ببخشد که با توجه به فرهنگ ساکنان و شیوه زیستشان قابل فهم است.

از مرور مطالعات پیشین روشن شد که خانه فراتر از کالبد مسکن، معانی مختلفی را در خود جای می‌دهد و به نوعی ترکیبی تجربی و انتزاعی از زمان و مکان است. همچنین می‌توان تمایزی بین مفهوم مسکن و خانه قائل شد و اولی را ساختار کالبدی و «خانه» را مجموع این ساختار کالبدی و معانی و مفاهیم وابسته به آن در نظر گرفت. بدین ترتیب خانه موضوع چندبعدی است

ت ۲۰. نتایج حاصل از تحلیل‌های سه‌گانه، تدوین: نگارندگان.

منبع تحلیل	تحلیل اولیه	شخصه‌های متمایز خانه‌های سنندج
تحلیل‌های مبتنی بر تأثیر ویژگی‌های کلی شهر و ساکنان آن در معماری خانه‌ها	شکل‌گیری خانه‌های دیوانی و مشابه	- تأثیر منشأ دیوانی بر شکل‌گیری خانه بزرگان شهر
	تأثیر فرهنگ کردی در تعامل بین درون و بیرون خانه	- تأثیر اهمیت ارتباط با طبیعت در شکل‌دهی به کلیت خانه
	توجه به موضوع امنیت در خانه به دلیل جغرافیای محلی	- تأثیر فرهنگ کردی در شکل‌گیری تعامل بین درون و بیرون خانه
	اهمیت جهت‌گیری به سمت منظرگاه بیرونی در خانه‌های سنندج	- ساخت کالبد برافراشته متأثر از قابلیت مصالح بومی
تحلیل‌های مبتنی بر قیاس بین خانه‌ها	طراحی حیاط‌های فراخ	- شکل‌گیری حیاط متأثر از اهمیت دید
	تطبیق نظام استقرار بنا با بستر جغرافیایی محله	- مجال بستر طبیعی به شکل‌گیری نوعی از کالبد که با حفظ محرمیت به بیرون از خانه دید دارد
	سبکی حجم بنا	- رجحان بخشی به فضای باز و نیمه‌باز به سبب تناسبات فضایی و جایگاه قرارگیری
	وجود مرتبه‌بندی در عرصه‌های زندگی	- وجود مرتبه‌بندی در کل و جز بنا
	اهمیت فضای باز و نیمه‌باز	- تأثیر کالبد خانه‌های دیوانی موجود در شهر بر کالبد دیگر خانه‌ها
	حفظ حریم درونی خانه و اصل محرمیت	
تحلیل مبتنی بر تطابق فرهنگ سکونت و معماری خانه‌ها	اهمیت گستره دید	- تعریف فضایی به منزله نظرگاه در خانه (در حد امکان)
	ورودی‌های معظم	- وجود مرتبه‌بندی در کل و جزء فضاها
	اهمیت پرداختن به فضای باز در خانه‌های سنندج	- تأثیر فرهنگ کردی بر نحوه ارتباط با طبیعت
	خواست نظاره به کوه آبدیر	- تأثیر کارکردی ارتباط با محیط روستایی در چینش فضایی
	متأثر بودن قواره فضاهای داخلی از فرش	- اهمیت یافتن جداره‌های داخلی برای ثبت خاطرات از طریق اشیا
	اختصاص جایگاه ویژه برای پدر در فضاها	
	اهمیت ثبت اشیا در فضاهای داخلی	
	وجود پوشش گیاهی مثمر در حیاط خانه	
وجود فضای پشتیبان در محدوده فضای باز و نیمه‌باز خانه		
متأثر بودن چینش خاص درختان و حوض در حیاط از آیین‌های جمعی		

که به دلیل نزدیکی به زیست ساکنانش و نیز ارتباطی که با ایدئال‌های فردی و جمعی جامعه مورد نظر دارد، وابسته به فرهنگ جامعه مورد نظر است. از سوی دیگر، خانه همواره در مقیاس خانواده با زندگی روزانه، آیین‌های خانوادگی، و جمعی نیز مرتبط بوده است. بدین ترتیب خانه سنتی را می‌توان از دریچه فرهنگ زیست ساکنانش نیز بازبینی کرد.

در این پژوهش نتایج مبتنی بر تحلیل‌ها در سه سطح بوده است. نخست تحلیل‌های مبتنی بر تأثیر ویژگی‌های کلی شهر و ساکنان آن در معماری خانه‌ها، دوم تحلیل‌های مبتنی بر قیاس بین کالبد خانه‌ها، و سوم تحلیل مبتنی بر تطابق فرهنگ زیست و معماری خانه‌ها. نتایج حاصل از این تحلیل‌ها نشان‌دهنده آن است که خانه‌ها در سندج از زبان واحدی که بر معماری خانه‌های ایرانی حاکم است تبعیت می‌کنند. همانند آن‌ها درون‌گرا هستند و نگاه غیر را به اندرون خانه راه نداده‌اند. همانند آن‌ها حیاط را پاس داشته‌اند و از آن به مثابه قلب خانه برای سازمان‌دهی و ارتباطبخشی بین اجزای بنا و به منزله نظرگاهی یادآور بهشت موعود بهره گرفته‌اند. از هندسه پنهانی برای نظام بخشیدن به معماری بهره گرفته‌اند. بدین ترتیب می‌توان شباهت بسیاری بین خانه‌های این خطه از ایران زمین و دیگر نقاط آن یافت. حال

آنکه نقاط تمایزی را نیز می‌توان مشاهده کرد (ت ۲۰). در این خانه‌ها شواهد نشانگر آن است که ارتباط حداکثری با طبیعت یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های خانه‌های بررسی شده است. این ویژگی منجر به آن شده است که خانه‌ها دارای حیاط‌هایی جلوه‌گر، فراخ، و پر نور باشند، به نحوی که به طور میانگین نیمی از مساحت زمین را به آن‌ها اختصاص یافته است. همچنین ارتباط بیشتر با طبیعت، به نوعی با علاقه ساکنان به نظر کردن به طبیعت پیرامونی، به ویژه مکان‌های مقدس طبیعی اطراف شهر، همراه شده و نگاه‌هایی را پدید آورده است که از نظر همسازی با اقلیم سندج توجیهی ندارند، ولی خواست اهالی خانه را در نظر کردن به بیرون (درعین حفظ محرمیت) پاسخ داده است. همچنین تحلیل‌ها نشان‌دهنده آن است که معماری این خانه‌ها در کل و جزء فضاها دارای صدر و ذیلی است که در فرهنگ این خطه معنا می‌یابد. در نهایت می‌توان ادعا کرد که منشأ شکل‌گیری سندج و محلات تاریخی آن، و نیز وجود خانه‌های دیوانی بزرگ و متعدد سبب شده است تا بتوان الگوبرداری از آن‌ها را (مستقیم و غیر مستقیم) در دیگر مصادیق مسکن متعلق به عامه مردم پیگیری کرد.

منابع و مآخذ

- آقالطیفی، آزاده. مستندسازی ابنیه مسکونی با رویکرد استخراج آموزه‌های بومی و کاربرد آن در ساخت‌وساز معاصر (گزارش اجمالی طرح پژوهشی)، کارفرما: وزارت راه و شهرسازی، مشاور: معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۶.
- بدلیسی، شرف‌الدین بن شمس‌الدین. شرفنامه، تاریخ مفصل کردستان، مقدمه و تعلیقات و فهرس از محمد عباسی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۴۳.
- پرتوی، پروین. «مکان و بی‌مکانی، رویکردی پدیدارشناسانه»، در فصلنامه هنرهای زیبا، ش ۱۴ (تابستان ۱۳۸۲)، ص ۴۰-۵۰.
- توکلی، محمدرفوف. تاریخ تصوف در کردستان، تهران: اشراق، ۱۳۵۴.
- سندجی، شکرالله. تحفه ناصری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- شوای، فرانسواز. شهرسازی، تخیلات و واقعیات، ترجمه سیدمحسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- طهوری، نیر. «سکونت شاعرانه و ساختن جاودانه: بررسی وجوه تشابه در آثار هایدگر و الکساندر»، در فصلنامه خیال، ش ۳ (پاییز ۱۳۸۱)، ص ۷۰-۱۱۳.
- فرهودی، رحمت‌الله و اکبر محمدی. «روند توسعه تاریخی، کاربری اراضی

مهریار، محمد و شامیل فتح‌الله‌یف و فرهاد فخاری تهرانی و بهرام قدیری. *اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۷۸.

نوربرگ-شولتس، کریستیان. *مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی*، ترجمه محمود امیریاراحمدی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۴.

وقایع‌نگار کردستانی، علی‌اکبر. *حدیقه ناصریه در جغرافیا و تاریخ کردستان*، تهران: توکلی، ۱۳۶۴.

Altman, I., & S.M. Low. *Place Attachment*, Plenum Press, 1992.

Altman, I. & C. Werner. *Home Environments*, Plenum Press, 1985.

Bearman, P.J. *Encyclopedia of Islam*, vol.5, new edition, Brill, 1986.

Benjamin, D. & D. Stea (Eds). *The Home: Words, Interpretations, Meanings and Environments. Ethnoscapes: Current Challenges in the Environmental Social Sciences*, Aldershot: Avebury, 1995.

Cooper Marcus, Clare. "The House as Symbol of Self", in Lang, J.T. (ed.), *Designing for Human Behavior: Architecture and the Behavioral Sciences*, Stroudsburg, Pa.: Dowden, Hutchinson & Ross, 1974, pp. 130-146.

Despres, C. "The Meaning of Home: Literature Review and Direction for Future", in *Journal of Architectural and Planning research*, No. 8 (1991), pp. 96-114.

Gurney, C. *The Meaning of Home in the Decade of Owner Occupation: towards an Experiential Perspective*, Working Paper 88. Bristol: School for Advanced Urban Studies, 1990.

Lawrence, R. "Deciphering Home: an Integrative Historical Perspective", in D. Benjamin & D. Stea, (Eds), *The Home: Words, Interpretations, Meanings and Environments. Ethnoscapes: Current Challenges in the Environmental Social Sciences*, Aldershot: Avebury, 1995.

Lawson, B. *The Language of Space*, London: Butterworth-Heinemann, 2001.

و تنگناهای شهرسازی در سندج»، در *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، ش ۵۳ (پاییز ۱۳۸۴)، ص ۸۷-۹۸.

کسراییان، نصرالله و زیبا عرش‌ی. *کردهای ایران*، تهران: کسراییان، ۱۳۷۲.

کلیایی، وحید. *درآمدی بر شناخت معماری خانه‌های قاجاری سندج*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه مطالعات معماری ایران، استاد راهنما: کامبیز حاجی قاسمی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، بهمن ۱۳۹۳.

Lewis, K. *Exploring Change in the Meaning of Home for South Asian Indians who Immigrate in Late-life*, Canada: Simon Fraser University, 2006.

Moore, J. "Placing Home in Context", in *Journal of Environmental Psychology*, no.20 (summer 2000), pp. 207-217.

Morley, D. *Home Territories: Media, Mobility, and Identity*, Routledge, 2000.

Rapoport, A. "A Critical View of the Concept Home", in D. Benjamin & D. Stea (Eds), *The Home: Words, Interpretations, Meanings and Environments, Ethnos-capes: Current Challenges in the Environmental Social Sciences*, Aldershot: Avebury, 1995.

_____. "Identity and Environment", in J. Duncan (Ed.), *Housing and Identity: Cross Cultural Perspectives*, London: Croom Helm, 1981.

_____. "Thinking about Home Environments: a Conceptual Framework", in I. Altman & C. Werner (Eds), *Home Environments, Human Behaviour and Environment*, Vol. 8. New York: Plenum, 1985.

_____. *House Form and Culture*, Prentice-Hall, 1969.

Smith, S.G. "The Psychological Construction of Home Life", in *Journal of Environmental Psychology*, No.14 (spring 1994), pp. 125-136.

Wehmeier, S. *Oxford Advanced Learner' Dictionary of Current English*, Oxford University Press, 2005.